

سبک زندگی و نسبت آن با علوم انسانی و اجتماعی

تقریر گفت و گوی دکتر سیدحسین شرف الدین، عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره در نشست با همین عنوان، ۱۴۰۲/۹/۱۲.

چکیده:

سبک زندگی به معنای مصطلح آن دست کم در دو مقام با علوم انسانی و علوم اجتماعی و قبل از آندو با معرفت عامه و تجربه های زیسته ارتباط وثیق دارد. سبک زندگی به مثابه نظامی جامع از قواعد الگویی مطلوب و مورد انتظار متناسب با وضعیت ها و موقعیت های فردی و اقتضائات حیات اجتماعی و هدایت گر فرد در عرصه های مختلف زندگی روزمره؛ در مقام تکون و ساخت یابی تدریجی، کمیت و کیفیت وجودی، گستره و قلمرو، آثار و نتایج و... از این علوم - بسته به جایگاه، اقتدار و نفوذ اجتماعی و توان لازم برای اثربخشی و ساماندهی به فرهنگ عمومی - عمیقاً متاثرند. این نقش بیشتر از نوع علی و اعدادی و ایصال الی المطلوب است. سبک زندگی، همچنین به مثابه نظامی جامع از کردارهای الگویی مرجح و نهادینه در بستر حیات اجتماعی و به عنوان یک موجودیت برساختی و یک ابژه فرهنگی اجتماعی از منظرهای مختلف توصیفی، تبیینی، تفسیری، توجیهی و انتقادی در کانون توجه تحلیلی علوم انسانی و اجتماعی قرار دارد. در این نوشتار به اختصار، به برخی از وجوه ارتباط این علوم با موضوع «سبک زندگی» پرداخته شده است.

کلیدواژه ها: فرهنگ، اجتماع، سبک زندگی، علوم انسانی و اجتماعی، کنش.

در ادبیات جامعه‌شناسی از مفهوم «سبک زندگی» دو برداشت و دو نوع مفهوم‌سازی متفاوت وجود دارد. در صورت بندی نخست که پیشینه آن به دهه ۱۹۲۰ بازمی‌گردد، سبک زندگی، معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد است و اغلب به منزله شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی به کار رفته است. در صورت‌بندی متأخر، سبک زندگی نه به منزله معرف و شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی افراد که بیشتر شکل اجتماعی جدیدی از گذران زندگی تلقی شده که تنها در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته، به‌ویژه رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا یافته است. در این معنا سبک زندگی، شاخصی برای شناخت نگرش‌ها، ارزش‌ها، علایق و رفتارهای افراد شمرده شده که بسیار مستقل از وضعیت طبقاتی آنها و اغلب مبتنی بر عاملیت و انتخاب‌ها و ترجیحات فردی است.

مفهوم «طبقه» که برای مدتی طولانی اصل طلایی تبیین‌های اجتماعی شمرده می‌شد، کم‌کم سودمندی و کارایی خود را از دست داد و «سبک زندگی» به عنوان چشم‌اندازی بدیل که با تنوعات و تحولات جهان مدرن، مناسبت بیشتری دارد، به جای آن مطرح شد.

به‌بیان‌دیگر، در مواجهه با سبک زندگی، تبیین‌های مادی‌گرایانه از کنش‌های انسانی که چند دهه بر علوم اجتماعی سیطره داشت، جای خود را به نوعی اصالت فرهنگ داده است. به بیان روشن‌تر، در تبیین‌های کلاسیک، اغلب موقعیت طبقاتی افراد، اصل مولد در سبک زندگی شمرده می‌شد؛ اما در تبیین‌های متأخر، آنچه بنیان حیات اجتماعی از جمله سبک زندگی محسوب می‌شود - به تعبیر بوردیو - سرمایه‌های فرهنگی است، نه سرمایه اقتصادی. از این رو، مفهوم سبک زندگی، بدیل و جایگزینی برای مفاهیم تبیینی دیگر نظیر «طبقه اجتماعی» است که برساخت هویت را به عناصری همچون بینش، اراده، انتخاب، سلیق و ترجیحات فردی منسوب می‌سازد. بنابراین سبک زندگی شیوه‌ای از عاملیت و کنش‌گری است که افراد از طریق آن، تمایزات و تشابهات هویتی خود را به نمایش می‌گذارند.

از این منظر، سبک زندگی نه محصول فرایند جبرگونه و انحصاری ساختارها و نهادهای اجتماعی که بیشتر محصول نوعی آگاهی، اراده و انتخاب ترجیحی است و عاملیت انسانی در آن نقش تعیین‌کننده دارد؛ اگرچه محیط اجتماعی نیز در ساختن یابی آن نقش دارد. به بیان دیگر، افراد با اشتراک فعالانه در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی، و ارجاع توأمان به ظرفیت‌های وجودی خود و اقتضائات محیط اجتماعی‌شان، هویت‌های فردی و اجتماعی‌شان را شکل و قوام می‌بخشند.

و نتیجه اینکه مفهوم سبک زندگی، با ارائه یک الگوی تلفیقی از نقش عاملیت و ساختار در تبیین پدیده‌های

اجتماعی، به دو گانگی کلاسیک آنها پایان داد. گفتنی است که مفهوم سبک زندگی به مثابه یک ابزار تحلیلی، هم جبرگرایی مضمّر در برخی نظریه های ساختارگزار و هم اراده گرایی آزاد مضمّر در برخی نظریه های کنش گرا را به چالش کشید.

براین اساس، وقتی زیمل بر توازن میان ذهنیت و عینیت و بوردیو بر هم وزن بودن نقش سرمایه فرهنگی و سرمایه مادی در تحقق کنش عاملان انسانی تأکید دارند، و گیدنز از اهمیت بازاندیشی مستمر در چارچوب منابع و قواعد به عنوان عوامل اصلی سازنده حیات اجتماعی مدرن سخن می گوید؛ همه به نحوی به این حقیقت توجه می دهند که حیات اجتماعی در فرایندی دو سویه و دیالکتیکی میان عوامل انسانی و ساختاری یا عوامل ذهنی و عینی همواره تولید و بازتولید می شود.

توصیف کلی سبک زندگی

سبک زندگی در گفتمان جامعه شناختی را می توان با الهام از دیدگاههای بزرگان این حوزه (مثل گیدنز، بوردیو، ذیمل، وبر و ویلن) در گزاره های ذیل خلاصه نمود:

چیستی سبک زندگی

از سبک زندگی تاکنون تعاریف مختلفی ارائه شده که اهم آنها عبارتند از:

سبک زندگی؛ مجموعه ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد است که نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می سازد که روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خویش بر گزیده، در برابر دیگران مجسم می سازد؛

¹ - تفاوت میان شیوه زندگی و سبک زندگی: از دید برخی اندیشمندان، شیوه زندگی معنایی وسیعتری از سبک زندگی دارد و ابعاد بینشی، ارزشی، هنجاری و نمادی را در بر می گیرد؛ در حالی که سبک زندگی، زیرمجموعه و بخشی از شیوه زندگی و لایه نمادین آن محسوب می شود. در جامعه اسلامی ایران ایده آل این است که نمادها و سبک زندگی افراد متأثر از لایه های زیرین فرهنگ آنها باشد اما در حال حاضر اینگونه نیست، یعنی سبک زندگی آنها برگرفته از شیوه زندگی بویژه لایه جهان بینی آن نیست و جهان بینی توحیدی در سطوح مختلف زندگی آنها امتداد ندارد.

سبک زندگی مجموعه نسبتاً جامعی از کردارهای الگومند و جاری در زندگی روزمره فرد است که همواره به تبع ماهیت متحرک هویت شخصی و بازانديشی ناشی از دوران مدرن، در شکل و صورت (= سبک) و در معنا و محتوا (= زندگی) تغییراتی را تجربه می کند؛

سبک زندگی به عنوان جنبه بیرونی و تجسد یافته فرهنگ؛ نظامی از ویژگی های متفاوت و متمایز، مجموعه ای از عادات، رسوم و الگوهای رفتاری رسوب یافته و نظامی از نشانه های نمادین است که در جهت ایجاد تمایز میان طبقات اجتماعی مختلف عمل می کند؛ تامل در سبک زندگی افراد، راهی برای شناخت نگرشها، ارزشها، نمادها و رفتارهای آنها (= هویت) است که اهمیت آن برای تحلیل های اجتماعی، روزبه روز افزایش می یابد؛

سبک زندگی، مجموعه ای از کردارهای الگومند است که فرد در انجام امور روزمره (خوراک، پوشاک و...) به نمایش می گذارد؛ نظامی است که پیوسته ضرورتها را به راهبردها و آنها را به ترجیحاتی تبدیل می کند تا فرد بدون آنکه تحمیلی احساس کند، آنها را به عنوان گزینه های مطلوب خویش بپذیرد؛ به بیان دیگر، سبک مجموعه ای از الگوهای خودآگاه و دقیقاً توسعه یافته ترجیحات فردی در خصوص رفتارهای شخصی است که از فرهنگ غالب (باورها، ارزشها، هنجارها، نگرشها و نمادها) عمیقاً تاثیر پذیرفته است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در پیش نویس «مبانی، اصول و سیاست های کلان تدوین برنامه جامع سبک زندگی اسلامی - ایرانی» (در ۱۳۹۹/۹/۱۸) در تعریف نسبتاً جامع از سبک زندگی اسلامی - ایرانی می نویسد:

«سبک زندگی اسلامی - ایرانی منظومه ای منسجم، پایا و پویا از الگوهای رفتاری انتخابی و نهادینه شده ی گروهی از انسان ها در برقراری روابط با خدا، خود، سایر انسانهای جامعه، طبیعت مخلوق و مصنوعات بشری است که ریشه در اعتقادات، باورها، ارزشها، گرایشها و هنجارهای اسلامی و فطرت انسانی داشته و متاثر از زمینه ها، شرایط، فرهنگ و هویت اجتماعی و اراده ی انسانی است که به دنبال دستیابی به حیات طیبه و قرب الی الله می باشد.» (آدرس سایت)

و نهایت اینکه، سبک زندگی، الگویی همگرا (کلیتی تام) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع های اجتماعی و دارایی ها است که فرد یا گروه بر مبنای پاره ای از تمایلات و ترجیحات (سلیقه ها) و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می کند. و به بیان مختصر، سبک زندگی، مجموعه ایی نظام مند از کنشها و رویه های مرجح است.

مباحث بعدی نوشتار با عطف توجه به وجوه مشترک تعاریف فوق و تاکید بر تعریف اخیر تقریر شده است.

منشاء سبک زندگی

در بیان منشا سبک زندگی نیز به علل و دلایل متعددی توجه داده شده است: فطریات و غرایز انسان، نظام شخصیت و شاکله و خوی و منش افراد (خصایل درونی شده افراد که در قالب رفتارهای خاص تبلور می یابد)، فرهنگ و اندوخته های شناختی جامعه، نهادهای اجتماعی بویژه نهاد دین، ذائقه فرهنگی، دیالکتیک شرایط وجودی عاملان در فضای اجتماعی با عادت و ارها و ریشتهای غالب، نیازهای فردی و اجتماعی انسان، ترکیب میان مطالبات ناشی از عاملیت فردی و اقتضائات ساختاری؛ جهان مدرن و امکانات و فرصت های فرهنگی اجتماعی آن؛ خلاقیت حاصل از کنار آمدن فرد با محیط و اقتضائات آن، سیاست زندگی یا تدبیر امور روزمره برپایه علایق و سلیق شخصی و اقتضائات حیات جمعی یا روندهای کلان زندگی.

گفتنی است که برخی جامعه شناسان مثل گیدنز، سبک زندگی، به معنای مصطلح آن را مختص جوامع صنعتی مدرن می دانند، چرا که در جوامع سنتی و پیشامدرن، به دلیل سنت گرایی، محدودیت آزادیهای فردی، کمبود امکانات مادی و معنوی، محدودیت مطالبات و تمنیات و... ترجیح افراد این بود که بیشتر به گزینه های مورد تایید جمع که میل شدیدی نیز به تعیین و تصلب داشت، تمکین کنند و زندگی خود براساس قواعد نهادی شده و مورد حمایت فرهنگ عمومی سامان دهند.

سبک زندگی در تلقی علوم اجتماعی

سبک زندگی در تلقی غالب جامعه شناسان (و برخی روان شناسان همچون آدلر) در گزاره های ذیل معرفی شده است:

- سبک زندگی بخشی از زندگی فردی و اجتماعی روزمره عاملان اجتماعی در جامعه مدرن، و جزئی جدایی ناپذیر از نظام های اجتماعی جدید است؛

- سبک زندگی، بواقع، نقشه زندگی، سیاست زندگی، چارچوب مرجع، الگوی زیست، شخصیت در عمل، عینیت فرهنگ ذهنی، تجسم مرزهای هویتی فرد است؛
- سبک زندگی، مفهومی برساختی و معرف یک کلیت به هم پیوسته و در هم آمیخته از معانی و کنش های جوارحی و جوارنحی فرد در موقعیت های مختلف زندگی روزمره است؛
- سبک زندگی به عنوان یک کلیت معمولاً از منابع هنجاری در دسترس و نهادی شده تاثیر می پذیرد: سنت ها و رسوم (هنجارهای سنتی رسوب یافته)، قوانین و اعتبارات اجتماعی (یا نظام فقهی در جامعه اسلامی)، اخلاق عملی، استحسانات ذوقی و ترجیحات سلیقه ای، مصلحت سنجی های عقلایی؛
- سبک زندگی از دید برخی اندیشمندان متضمن الگوهای رفتاری اصیل (غیر نمادین) و از دید برخی معرف الگوهای رفتاری نمادین و نمایشی است. در چستی مدلول این نماد نیز اختلاف نظر وجود دارد: نماد فردیت برتر (ذیمل)، نماد عادات فکری و سلسله مراتب اجتماعی (وبلن)؛ نماد منزلت اجتماعی (وبر)، نماد هویت فردی و اجتماعی (بوردیو، گیدنز و جمعی از جامعه شناسان متاخر)، نماد نوع مصرف (بنت)؛
- در هر جامعه معمولاً تنوعی از سبک ها و خرده سبک های زیستی در ساحت های مختلف رواج دارد. برخی سبک ها به دلیل عمومیت و مقبولیت جمعی، کلان الگو شمرده می شوند؛
- سبک زندگی از دید جامعه شناسان الگویی فردی - جمعی است یعنی الگویی برآمده از خلاقیت و گزینش فردی با عطف توجه به تمنیات و انتظارات شخصی و فرصت ها و محدودیت های محیطی. (گفتنی است که آدلر سبک را امری فردی می داند. یعنی به تعداد افراد، سبک زندگی وجود دارد و سبک هر فرد منحصر بفرد است؛ اگر چه می توان آنها را در دسته هایی طبقه بندی نمود). بدیهی است که الگوی جمعی سبک زندگی را می توان در سطح فردی نیز مطالعه کرد (= فردگرایی روش شناختی)؛
- انتخاب سبک توسط فرد گاه هشیارانه و گاه ناهشیارانه و تحت تاثیر سلطه، نفوذ، اشاعه، تقلید از گروه های مرجع، شیب های رفتاری، اقتضائات موقعیتی و مویذات محیطی صورت می گیرد. در هر حال، از آنجا که در ظاهر رفتارها، وضع ها، دارایی ها به اقتضای ترجیح و تمایل عاملان گزینش می شوند، می توان آنها را به انتخاب و اختیار افراد مستند دانست. نباید از القائات و ترغیبات محیط، جبر را نتیجه گرفت؛
- عوامل موثر در انتخاب و ترجیح سبک توسط فرد عبارتند از: سرمایه فرهنگی فرد یا والدین او (نظیر تحصیلات، عقلانیت، باورداشت های مذهبی، تجربیات زیستی، شان و منزلت اجتماعی)؛ سرمایه اقتصادی

(ثروت، درآمد، امکانات، موقعیت ها، فرصت ها)؛ ظرفیت های ذهنی و روانی (نظیربینش ها، نگرش ها، گرایش ها، آرمانها، خلق و خویها، عادت واره ها، اذواق و سلایق، نیازها و خواسته ها)؛ زمینه های فرهنگی اجتماعی (نظیر گفتمان غالب فرهنگی) (بویژه نظام های ارزشی و هنجاری)، فرصت ها، امکانات و محدودیت های ساختاری، اقتضانات عصری، موقعیت های اجتماعی فرد، انتظارات اجتماعی و.... برخی جامعه شناسان نظیر بوردیو، از منطق گزینش فرد با عنوان عام سلیقه و ذائقه (taste) یاد کرده اند.

- به لحاظ گستره، سبک زندگی تقریباً همه ساحت های زیستی فرد در همه حوزه ها و فرایندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همه جنبه های زندگی اعم از ذهنی و عینی، فردی و اجتماعی، مادی و غیر مادی، را شامل می شود. مولفه ها یا مصادیق آن را می توان به شرح زیر دسته بندی نمود: افکار و عقاید (بینش ها، اندیشه ها، نگرشها)؛ گرایش ها (ارزش ها، تمایلات، ترجیحات)؛ وضعیت ها یا موقعیت ها (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، شغلی، منزلتی)؛ دارایی ها (اعم از سرمایه ای و مصرفی نظیر مستغلات، مسکن، اتومبیل، وسایل خانه)؛ ارتباطات و مناسبات (شبکه های ارتباطی نظیر خویشاوندان، دوستان، همکاران، مرتبطان و...); رفتارها و کردارهای عینی اعم از عاداتی و نهادینه و اخلاقانه؛ وضعیت های جسمی و ژست های فیزیکی (مثل نوع پوشیدن، نشستن، راه رفتن، حرف زدن، غذا خوردن، خوابیدن)؛ اشتغالات تفننی (سرگرمی ها، تفریحات، ورزش ها، اشتغالات فراغتی)؛ علایق و اذواق (نوع موسیقی، عطر و ادکلن، زینت و آرایش، رنگ و فرم لباس، ماکولات و مشروبات). لازم به ذکر است که مفهوم سبک اگر چه به لحاظ گستره مصادیقی تقریباً همه عناصر و مولفه های عینی و نمادین جاری در زندگی روزمره را در برمی گیرد، اما غالباً به جلوه های رفتاری و نمودهای عینی آن بذل توجه می شود. از دید برخی، سبک زندگی به دلیل کثرت مولفه و گستره قلمرو جلوه بارزی از «وحدت در عین کثرت» را به نمایش می گذارد.

-سبک زندگی در تلقی غالب در جوامع مدرن ارتباط مستقیمی با مقوله مصرف و مصرف گرایی بویژه مصارف زیباشناسانه، لذت جویانه، تجملی و متظاهرانه به عنوان مشخصه بارز انسان و جامعه مدرن و معرف سلیقه های طبقاتی در کیفیت تعامل با بدن، پوشش و آرایش، فراغت و سرگرمی، و سایر جلوه های رفتاری دارد. از دید برخی جامعه شناسان، الگوی مصرف قابل مشاهده ترین و بهترین شاخص سبک زندگی است و قادر است بیشترین ارتباط را میان افراد و موقعیت اجتماعی آنها برقرار سازد و از این منظر اهمیت تحلیلی برجسته ای دارد.

- سبک زندگی به مثابه الگوی رفتار و شیوه عمل، مولد آثار و نتایج و به زبان جامعه شناختی کارکردهای آشکار و پنهان یا مقصود و غیر مقصود است. از آن جمله: ایجاد پل ارتباطی میان جنبه های عاملی و ساختاری، نقطه تلاقی دخالت عینیت‌ها و ذهنیت‌ها در زندگی، هدایت کننده افکار، تمایلات و کنش های فردی؛ ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی؛ سیاست ورزی و تدبیر زندگی؛ برقرار کننده رابطه میان تمایلات و ترجیحات فردی با سلسله مراتب اجتماعی؛ مشروعیت بخشی به برخی فعالیت ها در حوزه سیاسی، تقویت کننده فردیت در عرصه اجتماع و کمک به توسعه خودآگاهی و ترجیحات فردی؛ فراهم ساختن امکان تعامل افراد بویژه جوانان با شرایط ساختی اجتماعی و تسهیل کننده سازگاری خلاق فرد با محیط و محدودیت های آن؛ امکان یابی تجربه محدودیت های اجتماعی توسط افراد بویژه جوانان، نمایش الگوهای ترجیحی مصرف، نمایش جایگاه فرد در نردبان اجتماعی، تعیین کننده تمایزات منزلتی و طبقاتی و هویت افراد بر حسب ویژگی های فردی و اجتماعی؛ تعیین کننده مرزبندیهای موقعیتی افراد، گروهها و اقشار مختلف؛ راهی برای خود تحقیقی و دستیابی به اهداف؛ تمایزبخش یک گروه از سایرین در فضای اجتماعی، ابزاری برای تثبیت مرزهای هویتی، تجسم روایت خاصی که فرد برای هویت شخصی خود در برابر دیگران برگزیده است.

گفتنی است که سبک های زندگی در عین تقوم و استقرار نهادی و نیمه نهادی، از پویایی و انعطاف برخوردار بوده و تحت تاثیر عوامل فردی و اجتماعی یا تلفیقی از آندو دستخوش تغییر می شوند، اگرچه، نرخ تغییر پذیری عناصر مختلف موجود در یک الگوی سبکی، متفاوت است.

ویژگی های سبک زندگی

علاوه بر خطوط کلی فوق، در یک بیان توصیفی می توان ویژگی های ذیل را برای سبک زندگی به معنای متعارف آن در علوم اجتماعی - قطع نظر از تفاوت دیدگاهها - شماره کرد:

نظام وارگی و کلیت؛ الگو بودن برای رفتارهای ذهنی و عینی؛ عینیت یابی شخصیت و فرهنگ ذهنی با عطف توجه به فرصت ها و محدودیت های محیطی در قالب اشکال و صور الگویی خاص؛ نمایانگر توجه توأمان به وجوه ساختی (محیط اجتماعی) و وجوه فردی کنشگر در انجام کنش های روزمره؛ مبین درآمیختگی هویت فردی و هویت اجتماعی فرد (محصول تعامل نهادها و ساختارهای اجتماعی با نظام شخصیت و موقعیت های فردی)؛ مقوله ای فردی - جمعی (فرد به شخصه و فارغ از فرصت ها و اقتضائات محیط اجتماعی نمی تواند مولد یک سبک زندگی تمام عیار به صورت اختصاصی باشد)؛ متضمن عناصر ثابت و متغیر (سبک در بخش های که با عنصر معنا و هویت پیوند دارد، ساختی نسبتا با ثبات می یابد اما در سایر بخش ها غالبا متغیر است)؛

معرف نمادین هویت فردی و گروهی؛ تعیین کننده مرزهای نامشخص موقعیت و قشر اجتماعی؛ برجسته بودن نقش عاملیت و ترجیحات فردی در مقایسه با عوامل ساختی؛ عرصه ای مناسب برای مطالعه روند تغییرات در الگوهای رفتاری جامعه بویژه رفتار های مصرفی؛ دارای ارتباط مستقیم با مقوله مصرف و مصرف گرایی بویژه مصرف زیباشناختی و متظاهرانه به عنوان مشخصه بارز جامعه مدرن و معرف سلیقه های طبقاتی در استفاده از فراغت، بدن، پوشش، گفتار و سایر ویژگیها؛ مبین نوعی جهان بینی فرهنگی، نظام ارزشی، علایق و سلیق فردی و نگاهی خاص به زندگی؛ معرف جایگاه فرد در نظام قشربندی اجتماعی؛ مرادف با پاره فرهنگ یا خرده فرهنگ (در برخی دیدگاهها و تعاریف)؛ متنوع و متکثر به تبع تنوع ایده ها، ارزش ها، سلیق، ترجیحات و موقعیت های فردی و فقدان ایده های کلان مشترک یا فراروایت ها؛ تکامل پذیر از طریق فرایندهای اجتماعی؛ خلاقانه و گزینشی بودن اجزا و عناصر (مبنای این گزینش فردی عقلانیت و حسابگری یا ذوق و سلیقه است، مبنای سلیقه نیز حسب اختلاف دیدگاهها اموری حسی، خیالی یا عقلانی است)؛ دارای تعامل و گاه تعارض و تقابل با فرهنگ مسلط؛ دارای جلوه عینی و ایفاگر نقش در زندگی روزمره؛ عدم وابستگی به ویژگی های ساختاری افراد (مثل طبقه، جنسیت، پایگاه اجتماعی، قومیت، نژاد)؛ وابستگی اندک به گذشته تاریخی، سنت و میراث فرهنگی (برخلاف قومیت که محصول نوعی استمرار تاریخی است)؛ متن محوری و وابستگی آن به صورت های فرهنگی غالب و فضای فرهنگی اجتماعی جامعه خاص.

از دید برخی اندیشمندان، مهم ترین ویژگی های سبک زندگی غربی، غلبه میل و هوس بر عقلانیت، خودمختاری افراطی، سیطره صورت بر محتوا، بی بنیادی و نسبیت گرایی شدید است.

سبک زندگی و علوم انسانی و اجتماعی

سبک زندگی به مثابه شیوه ای از بودن و شدن و اتخاذ وضعیتی مطلوب و مرجح برای گذران زندگی در بستر حیات اجتماعی، طبق رای مشهور عالمان این حوزه از مقوله رفتار، کردار و کنش است که بالطبع تحت تاثیر مشارکت توامان دو دسته عوامل انفسی و آفاقی، یعنی زمینه های ذهنی و روانی (باورها، ارزش ها، نگرش ها، انگیزها، سلیقه ها و اهداف فردی) و زمینه های محیطی و ساختاری (ضرورت ها، اقتضائات، فرصت ها و محدودیت های فرهنگی اجتماعی)، تکون و تعیین می یابد و به مثابه مجموعه ای از قواعد الگویی فرد را در ساحت های مختلف زندگی راهبری می کند و بالطبع نتایج و آثاری متناسبی را موجب می گردد. از این رو،

سبک زندگی در قلمرو موضوعی علوم انسانی و علوم اجتماعی جای می گیرد، چرا که موضوع علوم انسانی، کنش انسانی و موضوع علوم اجتماعی کنش متقابل و کنش متقابل نمادین با همه عناصر و مولفه های پیرامونی آن است.

گفتنی است که علوم انسانی و علوم اجتماعی، بسته به جایگاه اجتماعی و میزان نفوذ و تاثیر بر فرهنگ عمومی از طریق آگاهی بخشی، جهت دهی، ایجاد زمینه های انگیزشی و تحریک و ترغیب کنش گران به عمل و راهبری آنها در مسیر شکل گیری، ترویج، تعمیق، تثبیت، استمرار، تغییر و اصلاح سبک های زندگی مشارکت می کنند و پس از تکون و تحقق نیز آنها را به مثابه مجموعه ای از واقعیت های اجتماعی محقق و مستقر و دارای آثار و کارکردهای قابل توجه، از منظرهای مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار می دهند.

از این رو، سبک زندگی به مثابه الگویی همگرا (کلیتی تام) یا مجموعه منظمی از کردارهای ترجیحی و نهادینه، که فرد یا گروه بر مبنای پاره ای از تمایلات و ترجیحات (سلیقه ها) و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب کرده؛ در مقام تکون و اعتبار تعیینی و تعیینی به مجموعه ای از مبانی و مفروضات عام متکی و مبتنی است که اهم آن عبارتند از: ۱) مبانی و مفروضات هستی شناختی: مجموعه ای از معرفت های بنیادین ناظر به حقایق هستی (جهان بینی) که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در کیفیت وجودی سبک های زندگی انعکاس می یابند. این مجموعه از معارف در قلمرو دانش هایی همچون فلسفه، کلام و عرفان نظری جای می گیرند؛ ۲) مبانی و مفروضات ارزش شناختی (نظامی از معارف عملی یا مجموعه ای از بایدها و نبایدهای منبعث از جهان بینی پذیرفته شده که در قالب مجموعه ای از گزاره های عرفی، حقوقی، اخلاقی، فقهی، زیباشناسانه و ترجمان هنجاری آنها، تبلور می یابند و کنش های انسانی را در عرصه های مختلف زندگی هدایت و راهبری می کنند. این مجموعه معارف نیز در قلمرو دانش هایی همچون فقه، حقوق، اخلاق، عرفان عملی و برخی از شاخه های علوم اجتماعی جای می گیرند؛ ۳) مبانی و مفروضات انسان شناسی (هر نوع سبک زندگی، قطع نظر از کیفیت و اعتبار معرفت شناختی و ارزش شناختی آن، مستقیم و غیر مستقیم به مجموعه ای از استعدادها و قابلیت های فطری و سرشتی انسان مثل خودشکوفایی، کمال گرایی، الگویابی و نظم پذیری، تنوع جویی، زیبایی خواهی، تمایز طلبی، مصرف گرایی، و... استناد دارد. این مجموعه معارف در قلمرو دانش هایی همچون انسان شناسی فلسفی (علم النفس)، انسان شناسی دینی، انسان شناسی عرفانی، انسان شناسی تجربی و برخی

شاخه های روان شناسی زمینه طرح می یابند؛ ۴) مبانی و مفروضات روان شناختی (برخی از ظرفیت های وجودی انسانی نظیر سائق ها، تمایلات، نیازها، خواسته ها، سلیقه ها، ذائقه ها، منش ها، تیپ های شخصیتی، اهداف و آرمانهای فردی و گروهی نیز به شیوه های مختلف در فرایند تولید، ترجیح و پذیرش سبک زندگی قویا موثرند. بحث از این زمینه اصالتا در شاخه های مختلف علم روان شناسی تعقیب می شود؛ ۵) مبانی و مفروضات جامعه شناختی (زمینه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ارتباطاتی و گفتمانی موجود در هر جامعه از جمله عواملی است که مستقیم و غیرمستقیم در تکوین، انتخاب، تثبیت، استمرار و تغییر برخی سبک ها، پذیرش برخی سبک های وارداتی، زوال تدریجی برخی سبک های پیشین و... قویا موثرند و به انتخاب ها و ترجیحات فردی در این خصوص جهت می دهند. بحث از این زمینه ها نیز در شاخه های مختلف علوم اجتماعی مثل جامعه شناسی، مردم شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، ارتباطات، مطالعات فرهنگی، صورت می گیرد؛ همچنین در طراحی یا ترجیح برخی مولفه های زیباشناختی سبک زندگی (مثل پوشش، آرایش، دکوراسیون، وسایل و اقلام زندگی و...)، طیفی از سلاقی و تمایلات فردی، گروهی و گاه فرهنگی و خرده فرهنگی عمیقا دخالت دارند. مطالعه این مجموعه نیز در شاخه های مختلف هنر تعقیب می شود). مبانی دیگری نیز قابلیت طرح دارد که به دلیل ضیق مجال و عدم ضرورت از طرح آن اجتناب می شود.

همانگونه که در فوق اشاره شد، سبک یا سبک های زندگی به مثابه واقعیت هایی محقق، پایا و پویا در بستر حیات اجتماعی از منظرهای مختلف مورد مطالعه علوم انسانی و اجتماعی قرار می گیرند. به بیان دیگر، علوم انسانی و بویژه علوم اجتماعی با رویکردهای توصیفی، تبیینی، تفسیری، هنجاری، انتقادی و توجیهی، در بررسی و واکاوی ابعاد مختلف «سبک زندگی» به مثابه یک واقعیت عینی یا برساختی و بین الادهانی (انتزاعی)، یا واقعیت جاری در متن زندگی روزمره افراد و گروههای انسانی (به صورت انضمامی) عمیقا مشارکت و اهتمام دارند.

برای نمونه، در بررسی پیشینه برخی سبک ها یا مولفه های خاصی از آنها که در مقایسه از ثبات بیشتری برخوردار بوده و صبغه تاریخی یافته اند (علم تاریخ یا مردم شناسی فرهنگی تاریخی)؛ برای اطلاع یابی از وضعیت سبک های زندگی موجود و رایج در جوامع مختلف سنتی و پیشامدرن به صورت انضمامی (علم مردم شناسی یا انسان شناسی فرهنگی)؛ برای مطالعه همین سبک ها در جوامع مدرن و پسامدرن (علم جامعه شناسی

و شاخه های مختلف آن)؛ در بررسی عوامل و زمینه های کلان فرهنگی اجتماعی موثر در شکل گیری، تثبیت و تغییر سبک های زندگی به تبع سیاست های فرهنگی حاکم بر جامعه (علم جامعه شناسی سیاسی، مدیریت، حوزه مطالعات فرهنگی)؛ همچنین در بررسی عوامل موثر در انتقال یک سبک از مجرای نسل های مختلف و درونی ساختن آن در قالب فرایند جامعه پذیری و نظام ارتباطات اجتماعی که توسط نهادها و کارگزاران خاصی (مثل خانواده، گروه همالان، شبکه های مرتبطان، آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی، رسانه های جمعی و اجتماعی، شغل، فضای گفتمانی جامعه)، به انجام می رسد (علم جامعه شناسی، روان شناسی اجتماعی و ارتباطات)؛ در بررسی عوامل محیطی خاص هر جامعه در انتخاب و ترجیح سبک های متناسب مثل فرهنگ و خرده فرهنگ های غالب، نهادها، طبقات اجتماعی، نظام قشر بندی اجتماعی، موقعیت های انتسابی و اکتسابی افراد، خلق و منش جمعی، نوع تربیت و جامعه پذیری، میزان تحرک اجتماعی، ویژگی های گروهی که فرد بدان تعلق دارد، هنجارها و قواعد الگویی، دیگران مهم و گروههای مرجع، انتظارات اجتماعی، نظارت و کنترل، فرصت ها و محدودیت های محیط، میزان انعطاف در تغییرات اجتماعی، میزان گشودگی و انسداد فرهنگی، وضعیت اقتصادی و رفاهی جامعه (شاخه های مختلف علم جامعه شناسی، روان شناسی اجتماعی، مطالعات فرهنگی)؛ همچنین در بررسی عوامل محیطی ناشی از غلبه گفتمانی مدرنیته و زیستن در جوامع متأثر از فرهنگ مدرن در انتخاب و ترجیح برخی سبک ها مثل غلبه شهرنشینی، فردگرایی، مصرف گرایی، رفاه جویی، تجمل خواهی، فراغت جویی، اصالت یابی بدن، مدگرایی، تنوع جویی، تمایز طلبی، اقتضائات مختلف فضاهای زندگی، کاهش حسایت ها نسبت به فرهنگ خودی، کاهش تمایزات جنسیتی، (شاخه های مختلف حوزه مطالعات فرهنگی و برخی شاخه های علم جامعه شناسی)؛ در بررسی عوامل مربوط حوزه حاکمیت ملی و نقش های فرهنگی آن مثل میزان دخالت حاکمیت در قلمروهای مختلف زندگی روزمره و فرهنگ عمومی، راهبردها و سیاست های کلان فرهنگی، میزان توسعه یافتگی کشور در بخش های مختلف، امکانات و سیاست های رسانه ای، دیپلماسی عمومی، اقتدار اجتماعی و نفوذ فرهنگی (درجه اعتماد عمومی مردم به سیاست های فرهنگی حاکمیت)، ارتباطات میان فرهنگی با جهان، میزان نفوذ و تاثیر رسانه های جهانگستر، کمیت و تنوع واردات اقلام فرهنگی و مصرفی، میزان آزادی افراد در تظاهر به سلیقه شخصی و... (علوم سیاسی و رشته های مختلف آن، مدیریت، ارتباطات)؛

در برآورد هزینه های مادی ناشی از تمکین و التزام به یک سبک زندگی و الگوی مصرف آن بویژه در نوع مصارف غیرمتعارف، نمایشی و متظاهرانه؛ همچنین در میزان سرمایه ها و امکانات مالی، وضعیت

درآمدها(قدرت خرید)، الگوی مصرف، اولویت های مصرف، کمیت و کیفیت تولیدات داخلی، میزان اقبال به مصرف تولیدات داخلی، کمیت و کیفیت واردات، سهولت دست یابی به اقلام مصرفی، میزان بهره گیری از امکانات و سرمایه های طبیعی، نقش اوضاع طبیعی(زیست بوم) در انتخاب و ترجیح سبک ها و موضوعاتی از این دست(علم اقتصاد و شاخه های مختلف آن)؛ در بررسی جایگاه ها رسانه ها در زندگی انسان معاصر، نقش رسانه های داخلی و خارجی بویژه ماهواره ها و اینترنت در ایجاد ارتباطات میان فرهنگی، نقش رسانه ها در الگودهی به افراد، میزان مصرف رسانه های داخلی و کمیت و کیفیت مشارکت در شبکه های اجتماعی، نقش و تاثیر مستقیم و غیرمستقیم رسانه های جمعی و شبکه های اجتماعی در تبلیغ، ترویج، تقویت، تضعیف، انتقال و پراکنش سبک های زندگی یا ترغیب افراد به آفرینش و ترجیح برخی سبک ها(علم ارتباطات یا جامعه شناسی ارتباطات، حوزه مطالعات فرهنگی)؛ برای بررسی نقش عوامل زمینه ای مثل تربیت، آموزش، تبلیغ، تلقین، تطمیع، تشویق، اشاعه، چشم و همچشمی، میل به همرنگی و هممنوایی با جمع، رقابت، تاثیرات خودآگاه و ناخودآگاه محیط و...در پذیرش و ترجیح برخی سبک ها و درونی ساختن آنها(علم روان شناسی اجتماعی)؛ همچنین در بررسی نوع دین و مذهب حاکم بر جامعه و اقتضائات زیستی آن، نوع دینداری عموم، میزان دخالت دین در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی، کمیت و کیفیت تبلیغ دین، میزان نفوذ گروههای مرجع دینی، میزان اطلاع عموم دینداران از الگوهای زیستی مرجح و مورد تایید دین، میزان اطلاع عموم از احکام فقهی، ارزش ها و هنجارهای اخلاقی و آداب و عادات عرفی مورد تایید شریعت، میزان انگیزه برای پذیرش و تمکین سبک های مرجح دینی، اقتضائات سبکینه عبودیت و بندگی و حیات طیبه دینی، میزان اعتقاد به نقش سبک های زندگی مرجح در سعادت و شقاوت اخروی، میزان حساسیت در مقابل ارزش ها و هنجارهای ناهمسو با معیارهای دینی و...(حوزه الهیات و شاخه های مختلف آن، جامعه شناسی و مردم شناسی دین).

بدیهی است که دینی جامع همچون اسلام که به تمام عرصه های زندگی اعم از فردی و اجتماعی، درونی و بیرونی، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی نظر دارد و هیچ امری از امور حیات انسانی را از سپهر شمول حکمی خود مستثنی نساخته است؛ منطقی نمی تواند مومنان را در دست یابی به شالوده های کلان سبک زندگی مطلوب و تمهید مقدمات لازم جهت تحقق حیات طیبه این جهانی در عرصه های مختلف زیستی، به خود وانهاده باشد. تتبع و تامل در منابع دینی حکایت از آن دارد که دین در دو بخش گوهری خود یعنی جهان بینی(معارف بنیادین معطوف به شناخت حقایق هستی همچون خدا، جهان، انسان، حیات اجتماعی و...) و

ایدئولوژی(معارف بنیادین ناظر به حوزه عمل و رفتار یا بایدها ونبایدهای ارزشی و هنجاری در حوزه های اخلاقی، فقهی و حقوقی)به ترسیم خطوط کلی این مهم یعنی سبک زندگی مومنانه اهتمام کرده است. گفتنی است که سبک زندگی دینی برخلاف تلقی رایج، تنها در بعد رفتاری، آنهم رفتار مصرفی خلاصه نمی‌شود؛ و به همه ابعاد و شئون حیات انسانی نظر دارد.

همچنین در بررسی و ارزیابی پیامدهای مثبت و منفی و آثار و نتایج منفی و آسیبی ناشی از التزام به برخی سبک ها، حوزه مطالعات انتقادی به عنوان بخشی از علوم اجتماعی مشارکت دارند.

منابع سبک زندگی

۱. ابادری، یوسف و حسن چاوشیان، «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۱ش.
۲. ابراهیم آبادی، حسین، «رویکردی میان رشته ای به سبک زندگی؛ با نگاهی به جامعه ایران»، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۲(ص ۳۳-۵۳).
۳. جمعی از نویسندگان، شاخص های سبک زندگی اسلامی، قم، انتشارات موسسه امام خمینی ره، ۱۳۹۴.
۴. ذکایی، محمدسعید، «خرده‌فرهنگ، سبک زندگی و هویت»، ماهنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲۰ و ۲۱، پاییز ۱۳۸۱.
۵. شریفی، احمد حسین، سبک زندگی اسلامی ایرانی، تهران، مرکز پژوهش های علوم انسانی اسلامی صدرا، ۱۳۹۲.
۶. فاضلی، محمد، مصرف و سبک زندگی، قم، صبح صادق، ۱۳۸۲.
۷. کاویانی، محمد، سبک زندگی و ابزار سنجش آن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۲.

۸. مهدوی کنی، محمد سعید، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷.
۹. مهدوی کنی، محمد سعید، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷، ص ۱۹۹ - ۲۳۰.